نگاه

نباید انتظار داشت مسلمانان عذرخواهی کنند

شهرزاد فرامرزی

● امروزه مسلمانان، قربانیان دوجانبه تروریسم بین‌المللی هستند. آنها نه‌تنها در نوک حمله گروه‌های تروریستی و نظامیان خارجی در کشورهای خود قرار دارند، بلکه ازسوی غربی‌ها نیز موردغضب قرار می‌گیرند. بلافاصله بعداز هر عملیات خشونت‌آمیزی که تعدادی از افراد تندرو در غرب انجام می‌دهند، مسلمانان در کشورهای غربی، هم‌فکر با تروریست‌ها قلمداد می‌شوند، مگر آنکه به‌صورت آشکار چنین عملیاتی را نکوهش کنند. به‌دنبال حمله خونین روزچهارشنبه به دفتر هفته‌نامه «شارلی‌ابدو» در پاریس، مسلمانان لیبرال، سکولار و مذهبی بار دیگر در موضع دفاعی قرار گرفتند؛ گویی آنها مسوول به‌وجودآوردن فضایی هستند که چنین جنایتکارانی را پرورش داده است. اما چرا مسلمانان باید به‌خاطر چنین حوادثی عذرخواهی یا آن را محکوم کنند؟ چنین انتظاری نمایان‌گر جهل، تعصب و اسلام‌هراسی است. در دهه۱۹۷۰، زمانی که گروه کمونیستی و ضدامپریالیستی «بادر ماینهوف» اقدام به بمب‌گذاری کرد، هیچ‌کس از میان کارگران این عملیات را محکوم نکرد. اما اکنون چرا باید مسلمانان که از ۵۷کشور مختلف هستند و از لحاظ فرهنگی، زبانی و حتی مذهبی با هم متفاوتند، علیه این عملیات سخن بگویند یا از عمل تعدادی افراطی که نماینده آنها نیستند، عذرخواهی کنند. همچنین هیچ‌کس از مسیحیان نخواست از کشتار بیش‌از هشت‌هزارو۳۰۰ مسلمان بوسنیایی در دهه۱۹۹۰ به دست «راتکو ملادیچ» که یک‌صرب مسیحی ارتدوکس بود، عذرخواهی کنند. «حمید زید»، مقاله‌نویس مغربی بعد از حمله به شارلی‌ابدو نوشت: «این جنایت گرانبهاترین هدیه‌ای است که ترور به نژادپرستی در فرانسه داده است.» او افزود: «این قاتلان نه‌تنها روزنامه‌نگاران را کشتند، بلکه میلیون‌ها مسلمان را که در فرانسه زندگی می‌کنند به قتل رساندند؛ آنها چاقویی را در قلب اسلام و مسلمانان در سرتاسر جهان فرو کردند.»اکنون مردم در سرتاسر جهان، از جمله مسلمانان از همدردی خود با قربانیان شارلی ابدو سخن می‌گویند و شعار می‌دهند که «من شارلی هستم» بدون‌شک بسیاری از آنها تا قبل‌از روزچهارشنبه حتی اسم شارلی ابدو را نشنیده بودند یا با کارتون‌های ضددینی آن‌که بیشتر علیه‌اسلام بود، آشنایی نداشتند. رسانه‌های غربی بدون آنکه به توصیف حادثه یا سابقه آن بپردازند، این کشتار را تهدیدی علیه ارزش‌های غربی، آزادی بیان و آزادی مطبوعات دانستند. قاتلانی که روز هفتم‌ژانویه، ۱۲نفر را کشتند مسلمان بودند، همانطور پلیسی که می‌خواست جلوی آنها را بگیرد و کشته شد نیز مسلمان بود. همچنین «مصطفی اوراد»، ویراستار شارلی ابدو نیز که در این حمله کشته شد در الجزایر متولد شده بود. رابطه استعماری فرانسه با الجزایر، سرزمین پدری دوحمله‌کننده با دوران معاصر گره خورده است. جنگ‌های آزادی‌بخش سال‌های۱۹۶۲-۱۹۵۴ برای رهایی از استعمار فرانسه تا امروز چون لکه سیاهی بر روابط دوملت سایه افکنده است. بسیاری از الجزایری‌ها به‌عنوان کارگر ارزان به فرانسه آورده شدند بسیاری فقیر هستند و خود را شهروند درجه‌دو در کشوری می‌دانند که به برابری فرصت‌ها برای مردمانش افتخار می‌کند. این گروه که احساس می‌کنند در بیغوله‌ها به دام افتاده‌اند با تبعیض نژادی، بیکاری، محرومیت و ناامیدی و پریشانی روبه‌رو هستند. سیاستمداران فرانسوی اکنون باید به‌سرعت خودبازبینی کنند تا شاید بتوانند کمکی از رسانه‌هایشان دریافت کنند. از سوی دیگر، رسانه‌ها باید بارها و بارها به سیاستمداران یادآوری کنند که جنگ افغانستان و اشغال عراق باعث شد که صدها چریک و گروه‌هایی به وجود آیند که به انتقام از غرب فکر می‌کنند. آنها باید تصویر بزرگ‌تری از حوادث را به مردمان خود نشان دهند. بحث‌های روزانه در غرب پر از ضدیت با اسلام است. روزنامه «نیویورک‌تایمز» پس‌از حمله به شارلی ابدو نوشت: «در چندقیقه این حمله به درگیری فرهنگی میان افراطی‌گری دینی و هواخواهی غرب از آزادی تعبیرشد.» اما این آزادی که غربی‌ها به آن افتخار می‌کنند تنها یک وهم است چرا که شارلی ابدو که ادعا می‌کند با همه یکسان رفتار می‌کند، در سال۲۰۰۹ یکی از گزارشگران خود را به خاطر نگارش جمله‌ای که گفته می‌شد بوی ضدسامی می‌دهد، اخراج کرد. این گزارشگر بعدها به خاطر رفتار غیرعادلانه شکایت کرد و توانست در دادگاه پیروز شود. آزادی بیان در فرانسه و سایر دموکراسی‌های غرب انتخابی است. درست است که دیگر نشانه‌هایی از مسایل مذهبی و نژادی علیه آفریقایی‌ها، یهودیان یا آسیایی‌ها در رسانه‌های غربی وجود ندارد، اما از دشمنی با اسلام هنوز برای بدنام کردن یک فرهنگ خارجی استفاده می‌شود. این در حالی است که تاریخ فرانسه مملو از سیاست‌های تبعیض نژادی و استعمار سرزمین‌های دیگر است. در سال۱۷۹۱، دو سال بعد از انقلاب فرانسه، پاریس بسیار سعی کرد اما نتوانست شورش بردگان در «سان دومینیک» را که اکنون هاییتی خوانده می‌شودسرکوب کند. اکنون این امید وجود دارد فرانسویان همانند استرالیایی‌ها که پس از گروگانگیری سیدنی در ماه دسامبر بسیار یکپارچه و صبور رفتار کردند، به سمت ایجاد امنیتی یکپارچه حرکت کند.

دوران جدیدی از تروریسم در حال رقم‌خوردن است

القاعده در یمن و جولان مرد مُرده

در زمانه‌ای که ترس از پروژه دولت‌سازی و تشکیل خلافت توسط شبه‌نظامیان اسلامگرای افراطی، تمامی منطقه خاورمیانه را فراگرفته است، شهرها و خیابان‌های کشورهای غربی با بازگشت هراسناک کابوسی آشنا دست‌به‌گریبان هستند. بیانیه کمیته رسانه‌ای القاعده یمن مبنی بر هدایت حمله تروریستی به مجله طنز «شارلی‌ابدو» در پاریس و تکرار این‌دست حملات در آینده، کافی بود تا امید تلخ مقامات امنیتی اروپایی را ناامید کند. آنان که امید داشتند این‌بار نیز «گرگ‌های تنها» عاملان کشتار ۱۲نفر از کارتونیست‌ها و افسران پلیس باشند، ناگهان با یک عملیات سازماندهی‌شده تروریستی روبه‌رو شدند که قلب اروپا را نشانه رفته است. اما به گزارش نیویورک‌تایمز، چه با تروریسم سنتی سروکار داشته باشیم و چه با غیرآن، اکثر سرنخ‌های به‌دست‌آمده از حوادث تروریستی در پنج‌سال گذشته به سرمنشأیی ثابت منتهی می‌شوند. کریسمس سال۲۰۰۹ بود که تلاش «عمر فاروق عبدالمطلب» جهادی نیجریه‌ای برای انفجار هواپیمایی در حال پرواز بر فراز دیترویت ناکام ماند. او که اکنون حبس‌ابد خود را در زندان فدرال سپری می‌کند، مدت کوتاهی در یمن با «سعید کواشی» یکی از دوبرادر الجزایری‌الاصل عامل کشتار شارلی‌ابدو، همخانه بوده است. اما اگر شریف کواشی، دیگر عامل حمله هفته گذشته در پاریس، به صراحت قبل از مرگش و در گفت‌وگوی تلفنی از تامین‌کنندگان مالی و هدایت‌کنندگان حمله نام‌برده بود، عبدالمطلب زیر فشار بازجویان اف‌بی‌آی بود که عاقبت نام پشتیبان و کارگردان بمب‌گذاری ناموفق دیترویت را به زبان آورد: «انور الاولاکی» روحانی آمریکایی‌الاصل که نامش پس از پیوستن به شاخه القاعده در یمن، حتی بر «ناصر الوحیشی» دومین مقام بلندپایه تشکیلات جهانی القاعده و رهبر این سازمان تروریستی در شبه‌جزیره عرب نیز سایه افکنده است. این همان نام پرآوازه‌ای است که حتی با گذشت بیش از سه‌سال از مرگ او در پی حمله هواپیماهای بدون‌سرنشین آمریکایی در یمن، همچنان ورد زبان تروریست‌های افراطی است. این واقعیت که سرنخ دامنه وسیعی از حوادث تروریستی، از مضروب‌کردن یکی از اعضای پارلمان بریتانیا در سال۲۰۱۰ گرفته تا بمب‌گذاری سال۲۰۱۳ در ماراتن بوستون، همگی به الاولاکی و سازمان متبوعش ختم می‌شود، بیش از هرچیز بر یک نکته دلالت دارد: کارزار رسانه‌ای گسترده و بین‌المللی الاولاکی و یارانش. برادران چچنی‌الاصل «سارنایف» در حالی بنابر تحقیقات صورت‌گرفته، به‌شدت تحت تاثیر الاولاکی بوده و دستورالعمل تهیه بمب منفجرشده در ماراتن بوستون را از «الهام»، مجله‌ای اینترنتی به سرپرستی او به دست آورده بودند که «روشونرا چودرای» دانشجوی بریتانیا پس از بازداشت اعتراف کرده بود پس از گوش‌سپردن به دست‌کم صدساعت از فایل‌های صوتی سخنرانی‌های الاولاکی، نماینده پارلمان حامی جنگ در عراق را مورد ضرب‌وشتم قرار داده بود.

عکس: woch.it

حضور رهبران جهان در یاد بود قربانیان پاریس

پاریس دیروز پایتخت جهان بود. این ادعای «فرانسوا اولاند» رییس‌جمهوری فرانسه است که دیروز در کاخ الیزه، میزبان طیف وسیعی از رهبران جهان بود. گذشته از حضور مقاماتی چون «دیوید کامرون»، نخست‌وزیر بریتانیا و «آنگلا مرکل»، صدراعظم آلمان، این صحنه هم‌نشینی «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسراییل و «محمود عباس» رییس تشکیلات خودگردان فلسطین بود که در کنار حضور نمایندگان بلندپایه روس و اوکراینی، به ادعای رییس‌جمهور فرانسه، رنگی از واقعیت بخشیده بود. سران دولت‌های بریتانیا، ایتالیا، اسپانیا و ترکیه، از جمله رهبرانی هستند که در این راهپیمایی شرکت می‌کنند. «پترو پوروشنکو» رییس‌جمهور اوکراین و «سرگئی لاوروف» نیز در این راهپیمایی حضور داشتند. این درحالی است که خیابان‌های پاریس نیز در میزان همبستگی برابر تروریسم، کم از اتاق‌های کاخ الیزه نداشتند. خیابان‌های پاریس در حالی زیر سایه امنیت دست‌کم سه‌هزارو۵۰۰ افسر پلیس، سرباز و تک‌تیرانداز، به تسخیر صدها هزار نفر از مردم درآمده بود که «مارین لوپن» رهبر راستگرای جبهه ملی فرانسه از هوادارانش خواسته بود راهپیمایی روز گذشته در گرامیداشت قربانیان کشتار «شارلی ابدو» را به علت بهره‌برداری سیاسی حزب حاکم تحریم کنند.

انور الاولاکی کیست؟

الاولاکی ۴۴سال پیش در نیومکزیکو از پدر و مادری یمنی به دنیا آمد. «ناصر الاولاکی» پدر او، دانش‌آموخته دکترا در دانشگاه‌های ایالات‌متحده و یکی از اعضای برجسته حزب حاکم در دوران حاکمیت «علی عبدالله صالح» مدت‌ها وزیر کشاورزی و رییس دانشگاه صنعای یمن بود. الاولاکی که در هفت‌سالگی به خانه پدری بازگشته بود، پس از ۱۱سال برای ادامه تحصیل در رشته عمران به «کلرادو»ی آمریکا بازگشت. او پس از پایان تحصیلات به مدت هشت‌سال امامت مساجدی در «دنور»، «سن‌دیگو» و «واشنگتن» را برعهده داشت. شهرت الاولاکی به‌عنوان یک واعظ مسلمان به حدی بود که پای او را حتی به ساختمان کنگره و پنتاگون نیز باز کرد. اما این سرپرستی «جمعیت خیریه رفاه اجتماعی» بود که در سال۱۹۹۹ مقامات اف‌بی‌آی را نسبت به فعالیت‌های مالی غیرقانونی الاولاکی در جهت انتقال پول به گروه‌های تروریستی مظنون کرد. البته احتمال ارتباط سازمانی الاولاکی با سه تن از عاملان حمله ۱۱سپتامبر که پس از یورش به مقر هماهنگی حملات در هامبورگ آلمان فاش شد نیز سبب نشد تا اف‌بی‌آی رای به آگاهی الاولاکی نسبت به وقوع حملات دهد. درست در همان زمان بود که الاولاکی با مهاجرتی دوساله به لندن و سپس بازگشت به یمن در سال۲۰۰۴، مهارت‌های سخنوری خود را کاملا به خدمت ترویج سازمان‌های جهادی و تروریستی درآورد و افراطیون سراسر دنیا را به جهاد علیه ایالات‌متحده و باقی کشورها فراخواند .الاولاکی در حالی با خطابه‌های آتشین اینترنتی خود به قوی‌ترین آهن‌ربای گروه‌های تروریستی در شبه‌جزیره عربستان تبدیل شده بود که به باور «ایوان کولمان»، یکی از مشاوران ارشد امنیتی اف‌بی‌آی، خطابه او با نام «مسیر جهاد» مرجع مجازی تمامی افراط‌گرایان اسلامی و گرگ‌های تنها در سرتاسر دنیاست. امروز نیز شارلی ابدو صحنه آخرین الهام این روحانی کشته‌شده به تروریست‌هایی است که گویا با گذشت چهارسال از دعوت الاولاکی به ترور طراحان کارتون‌هایی موهوم از پیامبراسلام(ص)، هنوز در پی گرفتن انتقام مرگ او هستند.

گفت‌وگوی امی گودمن با طارق رمضان و ریک مک‌آرتور

آزادی بیان یا بیان نفرت

ترجمه: سودابه رخش

سردبیر و چهارکارتونیست مجله «شارلی ابدو» چهارشنبه‌ای که گذشت، کشته شدند؛ حادثه‌ای وحشتناک و تاثربرانگیز که موجی از محکومیت‌ها را به‌راه انداخت. مقامات سیاسی یک‌به‌یک خود را به فرانسه رساندند تا مراسم بزرگداشت کشته‌شدگان، هرچه باشکوه‌تر برگزار شود و عکس‌های دسته‌جمعی روزنامه‌نگاران و نویسندگان جهان هم با شعار «من هم شارلی هستم» فضای رسانه‌های اجتماعی را پر کرد. اما به‌راستی چندنفر می‌توانند شارلی باشند؟ گفت‌وگوی پیش‌رو «امی گودمن» مجری و تهیه‌کننده سایت «دموکراسی ناو» با «طارق رمضان» و «ریک مک‌آرتور»، شکاف میان دو دیدگاه متفاوت در این‌باره را به سطح می‌آورد. طارق رمضان که اندیشمند اسلام‌گرای بنامی در میان غربی‌هاست و مجله تایم در سال۲۰۰۴ او را در زمره صد اندیشمند تاثیرگذار برتر جهان معرفی کرد، منتقد استانداردهای دوگانه آزادی بیان در غرب است و ریک مک‌آرتور، ناشر مجله پیشرو «هارپر» بر این باور است که آزادی بیان و انتشار مطالب و تصاویری تحریک‌آمیز، به مردم فرصت نتیجه‌گیری و تحلیل می‌دهد.

امی گودمن: واکنش شما به حمله به هفته‌نامه «شارلی ابدو» و اتفاقاتی که پس از آن افتاد، چیست؟

طارق رمضان: ما این اتفاقات را محکوم می‌کنیم و هیچ‌چیز نمی‌تواند قتل کارتونیست‌ها و افسرپلیس را توجیه کند. مهم، روشن‌کردن این نکته است که ما پای اصولمان ایستاده‌ایم. گرچه درمورد کارتون‌های روزنامه‌نگاران فرانسوی و شیوه ورودشان به این مساله، یعنی توهین به پیامبر و توهین به اسلام بحث دارم اما از همان ابتدا به‌روشنی گفتم. فکر نمی‌کنم که این راه هوشمند، مناسب و معقولی برای مقابله با آزادی بیان باشد. من به مسلمانان اینجا و حتی کشورهایی با اکثریت مسلمان گفتم که ما باید این مساله را به‌درستی درک کنیم. اگر به سانسور اعتقاد داشته باشیم، نمی‌توانیم همنوعانمان را متقاعد کنیم که دین ما دین کرامت و آزادی و مسوولیت است. سانسور نباید باشد؛ نه در غرب و نه در کشورهایی با اکثریت مسلمان. نکته این است که ما به اصولمان پایبندیم اما شما نیز اصول خود را مشخص کنید. اصول باید در اینجا و باقی نقاط جهان یکی باشد. ما از آنچه در غرب می‌گذرد، از کشته‌شدن کاریکاتوریست‌ها و مردم بیگناه شوکه شده‌ایم، اما باید به‌خاطر اتفاقاتی که در سراسر جهان و در کشورهای با اکثریت مسلمان می‌افتد نیز به همان اصول پایبند باشیم چراکه بیشترین قربانیان افراط‌گرایی خشن، مسلمانان کشورهای اسلامی هستند. اما می‌خواهم اضافه کنم که ما و شهروندان غربی باید درک کنیم که این مساله ربطی به مسلمانان ندارد. باید با هم باشیم و بفهمیم دشمنی مشترک داریم: افراط‌گرایی خشونت‌آمیز.

امی گودمن: جان ریک مک‌آرتور! شما در مورد اتفاقات اخیر چه فکری می‌کنید؟ احساس می‌کنید این مساله آزادی بیان است یا آنطور که برخی می‌گویند بیان نفرت است؟

ریک مک‌آرتور: این مبارزه‌ای دیرینه است. قرن‌هاست که ادامه دارد. ما در هارپر مدت‌های مدید برای آزادی بیان مبارزه کردیم. ما تنها نیستیم اما متاسفانه همیشه یک اقلیت تحت محاصره برای آزادی بیان مبارزه می‌کنند و حالا در واکنش به این قتل وحشتناک از بسیاری از آدم‌های خوش‌نیت این توضیح را می‌شنوی: «خب، ما با حق انجام این کار موافقیم اما با روش انجام آن مخالفیم.» اما دلیل انتشار این تصاویر این است که به مردم فرصت بدهیم از راهی هوشمندانه، نتیجه‌گیری خودشان را داشته باشند. اگر شما تصویر را نشان ندهید نمی‌توانید نقدی روی آن داشته باشید. نمی‌توانید بحثی داشته باشید. بنابراین من از واکنش برخی از همکاران لیبرالم که حسن‌نیت هم دارند ناراحت می‌شوم؛ همکارانی که قتل‌ها را محکوم می‌کنند اما همزمان می‌گویند: «من اگر بودم با این روش این کار را نمی‌کردم.» خب به چه روش دیگری می‌توانید این کار را بکنید؟ نکته دوم این است که گفتن: «ما نمی‌خواهیم به احساسات مسلمانان توهین کنیم»، تعمیم‌دادن کاریکاتور به همه مسلمانان است.

امی گودمن: طارق رمضان، شما دیروز گفتید که سردبیر «شارلی ابدو» را می‌شناختید؟

طارق رمضان: بله‌بله، می‌شناختمش و فکر کنم در دو برنامه تلویزیونی در فرانسه با او مناظره کردم؛ با هم مخالف بودیم. به‌گمانم... .

امی گودمن: او یکی از کسانی بود که کشته شد.

طارق رمضان: بله و به‌خاطر این مساله ناراحتم. یک‌بار دیگر رک و بی‌پرده با خانواده‌های قربانیان احساس همدردی می‌کنم. چنین چیزی قابل‌قبول نیست. باز هم می‌گویم که به نظر من آزادی بیان و نحوه برخورد ما با آن، موضوعی جدی است و ما از هیچ راهی نمی‌توانیم قتل‌ها را توجیه کنیم. به‌هرحال اگر شما امروز به مسلمانان غرب نگاه کنید، اکثریت بسیاربسیار بزرگی از مسلمانان به‌هیچ‌وجه از سانسور حمایت نمی‌کنند. مشکل اینجاست که برخی از افرادی که در غرب زندگی می‌کنند، گهگاه از تاثیر حرفی که می‌زنند نه‌تنها روی مسلمانان کشورهای غربی بلکه مسلمانان سراسر جهان آگاه نیستند. فکر می‌کنم باید حتی در مورد معیارهای دوگانه شفاف باشیم. شما می‌توانید یکسری چیزها را درباره مسلمانان بگویید اما در مورد یهودیان نه. اینها معیارهای دوگانه است و فقط افراد ضعیف را مورد هدف قرار می‌دهد. به همین دلیل است که من به سردبیر شارلی ابدو گفتم: «این طنز کسانی است که شجاعت ندارند. شما در راهتان شجاع نیستید چراکه می‌دانید چه‌کسانی را مورد هدف قرار دهید.» بنابراین مساله من آزادی بیان شما نیست. موضوع بحث من آزادی شما در هدف‌قراردادن افراد ضعیف جامعه‌تان است و فکر نمی‌کنم که این راه درست استفاده از آزادی بیان باشد. شما حق دارید هرچه می‌خواهید بگویید. اصول، اصول هستند اما نجابت و مسوولیت هم در این بحث مهم است.

امی گودمن: ریک مک‌آرتور؟

ریک مک‌آرتور: خب نکته مهمی که در ابتدا نگفتم و باید بگویم این است که ما در مقاله «آرت اشپیگلمن»* در مجله هارپر کارتون‌های ضدیهود و تصاویر یهودستیزانه را برجسته کردیم... .

امی گودمن: او (آرت اشپیگلمن) در فرصت دیگری در این برنامه از طرف خودش صحبت می‌کند.

ریک مک‌آرتور: ما فهمیده‌ایم که به‌عنوان روزنامه‌نگار، نویسنده و منتقد باید بتوانیم خودمان بدترین حمله‌ها را بپذیریم تا قادر باشیم از حقانیت تخطی‌های اصولی علیه مردم دیگر دفاع کنیم. مثال من همیشه راهپیمایی نازی‌ها در اسکوکی است؛ چیزی که به نظرم بسیار بدتر و توهین‌آمیزتر از این مورد اخیر است. اما من مقاومت کردم و بسیاری از مردم دیگر هم برای آزادی بیان مقاومت کردند تا نازی‌ها مجاز باشند در اسکوکی که بسیاری از بازماندگان هولوکاست آنجا زندگی می‌کنند، راهپیمایی کنند. کسانی مثل من و «آرت» آزادی بیان را اینطور می‌بینیم.

طارق رمضان: می‌توانم یک سوال از شما بپرسم؟ اگر به وضعیت غرب نگاه کنید، ما از شهروندان سخن می‌گوییم همان‌طور که من یک شهروندم، خب وقتی شما از شهروندی برابر و حقوق یکسان برای همه صحبت می‌کنید، آیا احساس نمی‌کنید معیارهای دوگانه‌ای در کار است، آیا حس نمی‌کنید چیزهایی هست که در غرب می‌توان گفت و چیزهایی هست که نمی‌توان گفت؟ همین قضیه است که منجر به ناامیدی و خستگی مسلمانان می‌شود. امروزه شرایط چنان است که انگار می‌توان به مسلمانان هر نسبتی داد و هر چیزی درباره آنها گفت. یک‌بار دیگر به اصول برمی‌گردم. من اولین نفری خواهم بود که از حق شما برای گفتن همه‌چیز دفاع می‌کنم. اما واکنش، واکنش عاطفی، واکنشی انتخابی است و ربط یکسانی به آنچه شما می‌گویید ندارد. اگر به عنوان یک یهودستیز مورد هدف قرار بگیرید، برای شما خیلی گران تمام می‌شود اما وقتی حرفی ضداسلام بزنید مشکلی نیست. قضیه عادی‌سازی این گفتمان است. مشکل این است که این مساله تنها مربوط به احزاب راست افراطی نیست. مشکلی که من اکنون در غرب دارم، هرکجا که باشد- به تظاهرات‌های اخیر آلمان نگاه کنید- عادی‌سازی گفتمان سیاسی اظهارات اسلام‌هراسانه است. بنابراین احساس نمی‌کنید که معیارهای دوگانه‌ای وجود دارد؟ احساس نمی‌کنید که ما در مورد آزادی بیانی صحبت می‌کنیم که مسلمانان را بیش از دیگران مورد هدف قرار می‌دهد؟ حداقل این احساس مسلمانان در غرب است و شما نمی‌توانید آن را رها کنید و طوری آن را رد کنید که انگار وجود ندارد.

ریک مک‌آرتور: خب، من با عبارت «احساس مسلمانان‌غربی» مشکل دارم چرا که دوباره از تعمیم‌دادن می‌ترسم.

طارق رمضان: من درمورد احساس شما صحبت می‌کنم.

ریک مک‌آرتور: بله، البته که معیارهای دوگانه وجود دارد.

طارق رمضان: درباره احساس خودتان. درباره احساس خودتان به من بگویید.

ریک مک‌آرتور: البته که معیارهای دوگانه در همه‌جا وجود دارد اما این تغییری در آنچه من می‌گویم ایجاد نمی‌کند و معیارهای دوگانه‌ای اعمال نکنیم. این البته به این معنا نیست که من راهپیمایی نازی‌ها در اسکوکی یا آن کاریکاتور را در مجله شارلی ابدو تایید می‌کنم اما من به دفاع از هر دو شکل تحریک به‌عنوان یک اصل مهم متعهد هستم. من فقط از دست مردمی عصبانی هستم که می‌گویند «ببین، اگر از راه بهتری این مساله را انجام می‌دادی یا از راهی که کمتر مورد حمله قرار می‌گرفتی، قابل‌قبول بود.» خب نظرت در مورد این مسایل چیست؟

طارق رمضان: شما می‌دانید که در نهایت من درمورد اصول با شما موافقم، من منظور شما را متوجه شدم که ما در جوامعی متکثر زندگی می‌کنیم و نمی‌توانیم این احساسات را به همه تعمیم بدهیم و حق با شماست. اما شما همین الان گفتید «البته که معیارهای دوگانه وجود دارند» و همین کلمه «البته» مشکل‌ساز است و به‌خاطر همین هم هست که ما باید باهم باشیم. ما فقط با اصول و حقوق در کنار هم زندگی نمی‌کنیم، ما گاهی مجبوریم به‌خاطر احساسات و حس‌تعلق با آن مقابله کنیم. فکر نمی‌کنم که مساله فقط این است که «حقوقم را به من بدهید. من باید بتوانم هرچه می‌خواهم بگویم.» شما حق دارید که چیزهای احمقانه بگویید اما چیزهای احمقانه گاهی در زمان اختلاف و تنش، ساده‌لوحانه است. این راهی روبه‌جلو نیست. بنابراین من می‌گویم؛ بله، حق آزادی بیان باید وجود داشته باشد اما یکی از حقوق آزادی بیان باید، راه مسوولانه استفاده از آن باشد.

ریک مک‌آرتور: اگر می‌شود من حرف شما را قطع کنم برای اینکه در آخر بگویم یک مساله سیاسی وجود دارد که ما با آن کنار نمی‌آییم و اگر از اصل آزادی بیان جدایش کنیم، سعی می‌کنم با آن کنار بیایم. بله غرب حضور خشونت‌آمیزی در خاورمیانه و دنیای عرب دارد که تا ۲۵سال پیش نداشت. وقتی ما پیش از جنگ اول خلیج‌فارس به عربستان‌سعودی نیرو فرستادیم، چیزی را در دنیای اسلام گسستیم. ما موجب خشم مردم شدیم. اما این مساله‌ای سیاسی است که شما هم باید در مورد آن صحبت کنید. ارسال نیروهای آمریکایی به خاک مقدس عربستان‌سعودی با مساله انتشار کاریکاتور حضرت‌محمد(ص) در یک مجله فرانسوی فرق می‌کند.

*** آرت اشپیگلمن، کاریکاتوریست مطرح آمریکایی و برنده جایزه پولیتزر است.**

رویداد

حمله انتحاری النصره به لبنان

● یک‌بار دیگر صدای مهیبی آرامش شهروندان لبنانی را برهم‌زد. به گزارش دویچه‌وله، به‌دنبال وقوع دوانفجار در روز شنبه در یک قهوه‌خانه در شهر بندری طرابلس در لبنان دست‌کم ۹نفر کشته و ۳۵لبنانی دیگر کشته شدند. ارتش لبنان اعلام کرد عامل این سوءقصد فقط یک‌نفر بوده، اما خبرگزاری دولتی لبنان به‌نقل از شاهدان عینی گزارش دادند که دوانفجار، توسط دوفرد انتحاری صورت گرفته است. به گفته آنان، پس از تجمع مردم در محل انفجار اول، فرد دوم بمب خود را در میان مردم منفجر می‌کند. پس از مدتی از وقوع این دو انفجار، گروه تروریستی «جبهه النصره» مسوولیت آن را برعهده گرفت. النصره که شاخه‌ای از شبکه القاعده و از همدستان «داعش» است، پس از این سوءقصد انتحاری در شبکه توییتر اعلام کرد که این دوعملیات «انتقام سنی‌های سوری و لبنانی» بوده است. این قهوه‌خانه در محله «جبل‌محسن» قرار دارد که عمده ساکنان آن را شیعیان تشکیل می‌دهند.

زن مظنون در حملات فرانسه در ترکیه

● مقام‌های رسمی ترکیه و فرانسه به خبرگزاری‌ها و شبکه‌های خبری گفته‌اند که «حیات بوم‌الدین» زنی که به ظن همدستی با «آمدی کولیبای»، گروگانگیر سوپرمارکت یهودی در پاریس تحت‌تعقیب است، پیش از این حملات وارد ترکیه شده و احتمالا از آنجا به سوریه رفته است. به گزارش آسوشیتدپرس، یک مقام امنیتی ترکیه گفت که آنها گمان می‌کنند هم‌خانه آمدی کولیبای، با همان نامی که در رسانه‌ها منتشر شده، روز دوم‌ژانویه وارد استانبول شده است. خبرگزاری فرانسه نیز گزارش داد که احتمال می‌رود او به شهر «شانلی‌اورفه» در مرز جنوب‌شرقی ترکیه رفته و از آنجا وارد سوریه شده، اما اطلاعات کافی برای اثبات این احتمال وجود ندارد. یک‌مقام امنیتی ترک نیز گفت: ترکیه او را بازداشت نکرد، چراکه در آن زمان، اطلاعات امنیتی لازم را از فرانسه دریافت نکرده بود. پلیس فرانسه مظنون است که این زن به‌عنوان یک کانال ارتباطی بین برادران «کواشی» که به نشریه «شارلی ابدو» حمله کردند و کولیبای که در سوپرمارکت یهودی اقدام به گروگانگیری کرد، عمل می‌کرده است.

حمله انتحاری با استفاده از یک دختربچه

● به گفته مقام‌های امنیتی نیجریه، شبه‌نظامیان «بوکوحرام» با بستن بمبی به دختربچه‌ای ۱۰ساله و منفجرکردن او در بازاری شلوغ، ۲۰نفر را کشته و ۲۰نفر دیگر را زخمی کردند. به گزارش رویترز، محلی که انفجار در آن رخ داده است، در ایالت شمالی «بورنو» قرار دارد؛ جایی که گروه بوکوحرام در آن دست به انجام عملیات گوناگون زده و بارها نیز صحنه انفجار بمب و حملات انتحاری بوده است. پیش‌تر، گزارش‌هایی در مورد استفاده از زنان ربوده شده به‌دست گروه بوکوحرام برای انجام حملات مرگبار منتشر شده بود. سازمان دیده‌بان حقوق‌بشر در آبان‌ماه گذشته گفته بود این گروه که مکررا دست به ربودن کودکان، نوجوانان و زنان می‌زنند، علاوه‌بر تجاوز به زنان از آنها در فعالیت‌های مسلحانه خود یا برای کشتن دیگران استفاده می‌کنند.

مرگ گروگان با گلوله پلیس

● رسانه‌های استرالیا گزارش داده‌اند که یکی از قربانیان گروگانگیری ماه گذشته، در کافه‌ای در سیدنی استرالیا بر اثر شلیک گلوله پلیس کشته شده است. به گزارش بی‌بی‌سی، «کاترینا داوسون» ۳۸ساله بر اثر کمانه‌کردن ترکش‌های گلوله پلیس و اصابت آن به قلب و شانه‌اش، جان خود را از دست داده است. او یکی از دوگروگانی بود که در جریان عملیات پلیس برای پایان‌دادن به گروگانگیری در کافه‌ای در مرکز سیدنی کشته شد. تحقیقات درباره گروگانگیری سیدنی همچنان در جریان است و انتظار نمی‌رود دلیل رسمی مرگ گروگان‌ها تا پایان تحقیقات اعلام شود.

اعتراض دیپلماتیک سوریه

● دولت سوریه به نماینده سازمان‌ملل در امور بحران این کشور اطلاع داد سفر خود به دمشق را به زمان دیگری موکول کند، اما تاکید کرد که از سفر نمایندگانی از سوی «دی‌میستورا» به سوریه استقبال می‌کند. به نوشته روزنامه «السفیر» لبنان، این اقدام دمشق در واقع واکنش و اعتراضی دیپلماتیک به عدم‌پیشرفت در تلاش‌های دی‌میستورا برای حل بحران سوریه است و نشان می‌دهد که درعین‌حال نمی‌خواهد ارتباط با او را به‌طورکامل قطع کند. دی‌میستورا قرار بود پیش از مذاکرات مسکو میان مخالفان و نمایندگان دولت سوریه، به دمشق سفر کند و با مسوولان این کشور در مورد آخرین شرایط و وضعیت حاکم بر روند مذاکرات، گفت‌وگو کند. مذاکرات قریب‌الوقوع روسیه و عدم‌پیشرفت دی‌میستورا در حل بحران سوریه و نیز حمله اخیر جبهه النصره به شهرک‌های شیعه‌نشین «نبل» و «الزهرا» در حومه حلب از دلایل اصلی رد درخواست دی‌میستورا برای سفر به دمشق است.